



صبح ۴ شنبه
 ۳۰ شهریورماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۴۱۴ ۱۳۴۵
 سال اول شماره سی و چهارم نامه یومیه اطلاعات
 صاحب انتشار و ستون: م. سعیدی
 ناشر: مرکز اطلاعات ایران
 محل اداره: خیابان لاله زار و ان تکرانی اطلاعات
 قیمت اشتراك
 يكساله ششماه سه ماهه
 طهران - ۵۰۰ فرن ۳۰ فران ۱۵۰ فران
 ولایات: - ۶۰ فرن - ۳۵ فران ۱۸ فران
 خارجه باصافه قیمت پست
 لك نسخه: شش شاهی

مركز بروات لكرانی خارجه			طلا در بازار		
فروش	خرید	نوع	فروش	خرید	نوع
۴۷۲۵۰	۴۶۸۵۰	الیه نگیسی لندن	۴۰۰۰۰	۴۰۲۵۰	الیه نگیسی
۳۵۴۰۰۰	۳۵۰۰۰	سد رویه یعنی	۴۵	۴۴۰۰۰	الیه نگیسی
۳۵۴۰۰۰	۳۵۱۰۰۰	سد رویه بغداد	۴۷	۴۷	ده ماتی طلا
۲۷۰۰۰	۲۷	سد رانك ونس	۱۵۲۵۰	۱۵	اخری
۹۷۲	۹۶۵	سد دلار ورك	۷۶۰۰	۷۵۰۰	پنججری
۳۵۷۵۰	۳۵۲۵۰	لك لیره اطلالی	۳۱۰	۳	ومزاری طلا
۱۸۹	۱۸۷	سد فرنك زنو	۴۲۰۰۰	۴۲	۴۵ مارك طلا
۲۶۷۵۰	۲۶۲۵۰	سد بروكسن	۳۲۵۰۰	۳۲	۴۵ مارك طلا

نطق دكتور مصدق

اما نسبت باقاي وثوق الدوله كدر صدرفوه قضائيه واقع شده اند بي مناسبت نيت عرض كنم وقتي كه بنده در شيراز بودم روزي كه قونسول انگليس براي امور اداري نزد من نشسته بود از آقا سيد ضياءالدين بپايه رسيد پرسيد چه نوشته كتم كه قرار داد را انو كرده است خنديد و گفتم در انگليس يك ضرب المثل است كه ميگويند كربه مرده را كسي خوب نميزند قرار داد مرده بود و حاجت انو كردن نبود بنده هم چون نميخواستم بگره مرده خوب بزنم ميخواستم كه مطلقا آن را فراموش كنم فقط از فاعل و مؤسس قرار داد اطمینان حاصل نمايم كه آنچه در اين خطوط نمايند لذا يكي از شهباهي اخير كه آقاي رئيس الوزراء بمنزل من آمدند و فرمودند كه باقاي وثوق الدوله مخالفت نكنم عرض كردم بشرط اينكه آقاي وثوق الدوله در مجلس اظهار ندامت به فرمايند در جواب من فرمودند عقیده ایشان اينست كه قرار داد در صلاح مملكت بوده شده و حاضرند كه در مجلس از اين عقیده دفاع نمايند عرض كردم عقیده ملت ايران كه خود حضراتي هم يكي از افراد هستيد غير از اين بوده و خواهد بود بنا بر اين بنده فرمايش حضراتي را نمي پذيرم و باز براي اينكه مخالفت من حمل بر غرض نشود حاضر شدم كه اگر آقاي وثوق الدوله خجالت دارند آقاي رئيس الوزراء با حنو و ايشان در مجلس فرمايشاني بفرمايند باز بمقصود رسيدم و در اين اثناء اشخاص مختلف با بنده مذاكراتي نمودند بعضي را عقیده اين بود كه اگر مجلس باشما موافقت نكرد نصاب ضمني قرار داد است در اين صورت مقضی نسبت كه مذاكره شود و برخی مي گفتمند اين مطلب را بايد موضوع هويت مجلس قرار داد واقعا اگر اعضاء اين مجلس كه اكثريت آن وكلا دوره چهارم و بيسان حقيقت را انصاف نموده اند باز هم باستقلال ايران علاقه مند است مقامات ميكنند عقیده خود را در صلاح مملكت اظهار نمي نمايند بنده هم چون نمي توانستم مخالفت خود را بدون دليل استرداد كنم كاملا بوطن پرستي قايان نمايندگان محترم نهايت اطمینان دارم باعقیده اخير موافقت و اعتراضات خود را نسبت بقرار داد و فاعل آن عرض نمي نمايم اينكه اعتراضات من جريده ستاره ايران در جواب لايحه دفاعيه ايشان در تاريخ ۲۵ و ۲۹ رمضان ۱۳۳۵ يا نژده فقره نصابيات و امتيازاتي كه از زاده هاي ايام فترتند در شماره ۱۳ و ۱۵ خود منتشر و مي نويسد تقريباً تمام آنها با مضای وثوق الدوله بوده بدون اينكه از مسئوليت او بكاهد دو مسئوليت متوجه مشار اليه ميسازد يكي مسئوليت اختصاصي كه به سمت وزير امور خارجه امضا كرده و ديگر مسئوليت اشتراكي كه در قانون اساسي مصرح است

از اين امتيازات با مضای او نبوده ابا مي تواند منكر شود كه مقدمه وزمينه آنها در زمان وزارت او حاضر و فراهم شده است احاطه امتيازات اعطا شده بخارجه در غيبت مجلس بخوبي معلوم مي نمايد كه فروش ثروت طبيعي ايران در زمان مشروطيت بيشتر بدلالي ماهرانه وثوق الدوله انجام يافته و از آنجا كه وقوع اتفاقات مكرر نلسف محال بوده و عقل نصديق نمي كند كه طبيعت و نصادف بطور تكرر يك فرد را بدون اراده او در يك موقعيت مخصوص قرار دهد به بداهت نظر معلوم ميگردد كه نصادف نقاضای امتيازات با زمان وزارت وثوق الدوله بلكي بي اطلاع او نبوده مسامحا نقاضا كنندگان از مساعدت و همراهي وثوق الدوله اطمینان داشته اند كه از وقوع استفاده نموده و در آن اوقات نقاضای امتياز کرده اند و شايد ميدانسته اند كه وثوق الدوله هوا دار ملطن (اگر من نكنم ديگران خواهند كرد) بوده بلندي نظر و علو همتش منابع ثروت طبيعي مملكت را چندان بزرگ ندیده و مهم نترسده و حاضر شده است يكي را بعد از ديگري فدای استقلال مملكت سازد و اين عمليات مكرر را ارتكاب اقل المنظورين خواند و مجاز داند وثوق الدوله مي گويد بنام سلامت و وطن امتيازات داده شده اين ادعا نسيبه باين است كه طبيعي بنام سلامت بيمار اعدای او را يكي يكي قطع کرده و تمام خون او را بگيرد چنان كه هنوز از خاطر ها محو نند كه يك روزي هيمن طبيب حافظق رای بشفاقلوس بودن حساس ترين عضو ايران (آذربايجان) داده و نصريج فرمودند كه اين عضو فاسد بايد قطع شود (وثوق الدوله اينطور نسبت اهمت نميزند) آقاي وثوق الدوله عدا سهو ديكنند كه دادن امتيازات را مانع انجام ساير نقاضاهای اجانب قرار ميدهند چه نجر به و مخصوصاً در زمان مشروطيت كه خود وثوق الدوله غالباً مصدر امور بوده ثابت کرده كه تسليم محرك طمع بپاكستان و مابه نجرى آنها است فقط مقاومت يك دولت است كه مي تواند حدی بقاضاهای غاضيبانه دول مجاور بدهد اينست مندرجات جريده مزبوره كه در ان تاريخ منتشر شده و چون بنده نكذبي نسبت بگفته هاي ان نديدم عرض نمي نمايم چنانچه مطابق واقع نيت نكذيب فرمايند كما اينكه خود بنده چون مدني در ايران نبودم نمي دانم آقاي وثوق الدوله چه وقت و در چه هبث رای بشفاقلوس بودن اذربايجان داده است شايعات كاذبانه بقدری زياد است كه من نامدرک نبايد بهيج جيز يقين نمي نمايم از جمله نصابيات و امتيازاتي كه جريده ستاره ايران باقاي وثوق الدوله نسبت داده (اول) قرارداد ۱۹۰۷ راجع بمنطقه شمال و جنوب است كه با مذاكراتي كه در مجلس اول نسبت بقرارداد مزبوره شده و محصل على مبرزها هم از اشتناخت آقاي وثوق الدوله در زمان وزارت خارجه

خود انرا نصديق ندوده اند
 ۲ - امتيازات راه آهن جلفا واز هر طرفي ده فرسنگ امتياز معادن ان و امتياز امتداد راه آهن از جلفا بدرياچه ارومي
 ۳ - امتياز حوزه مسادن يهر خزر بخوشتر ايا كه اهميت اين امتيازات تا درجه بود كه روسها از انفاء آنها در عهد نامه ايران و دوس مننت عظيمي بملت ايران گذاردند
 ۴ - شناختن پلوس جنوب وغيره غيره كه بعد بالاخره اين ممالجاث را براي سلامت وطن كافي ندانسته و تسليم بلا شرط انرا بوسيله قرار داد ۱۲ فرمقد ۱۳۳۷ كه مطابق است با ۱۷ اسد ۱۲۹۸ شمسى و ۹ اوت ۱۹۱۹ ميلادي اصلاح دانسته اند و چون جزائون معتقدند كه اگر كسي چند فعل خلاف نمود بايد او را براي فملي تعقيب كرد كه مجازاتش در قانون بيشتر باشد بنده به بزرگترين خيانتي كه ايشان مرتكب شده اند ميپردازم كه قرارداد است قرارداد يعني تسليم دولت مسجعي بر دولت مسلمان و بزبان وطن پرستي اسارت ملت ايران عقیده ماسلمين اين است كه حضرت رسول اكرم و پيغمبر خاتم (س) پادشاه اسلام است و چون ايران مسلمان است لذا سلطان ايران است و بر هر ايراني ديات ندي و هر مسلمان شرانتمندي فرض است كه در اجرائي فرموده پيغمبر خدا كه مي فرمايد (الاسلام يملو و لا يملو عليه) از وطن خود دفاع كنند اگر فرائع شد عالم ديات و ايرانيت راروحى نازه دمیده و چنانچه مغلوب و مغلول نسد در راه خدا شربت شهادت را چشیده است
 (ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون)
 آقاي وثوق الدوله براي اينكه ايران خنط نكند بر خلاف اصل ۲۴ قسانون اساسي كه ميگويد (بستن عهد نامه ها و مقاوله نامه ها اعطای امتيازات) انحصار) تجارتي و صنعتي و فلاحتي و غيره اعم از اينكه طرف داخله باشد يا خارجه بايد بقصوب مجلس شورای ملي برسد) قبل از تصوب مجلس قرار داد را اجرا نمودند
 و اجراء هر قرار دادی قبل از تصوب بر خلاف اين اصل است زیرا تصوب مجلس يك امر تشريفي است نسبت كه در موضوع مؤثر نبايد بلسكه براي اين است كه مقاوله نامه هاي مضر را رد كند و اعتبار ندهد پس هر كاه يك قرار دادی قبل از تصوب مجلس اجرا شد و مجلس آن را رد نمود و خسارتي متوجه طرف قرارداد داده شد چيران خسارت با كهست - آيا امضا كندگان قرارداد بايد چيران كنند يا طرف قرار داد ميتواند باعتبار مضای وزراء خسارت را از دولت بخواهد؟ باين لحاظ هيچ قرار دادی بدون تصوب مجلس شورای ملي معتبر نيت و سندی هم كه اعتبار ندارد نميتوان آن را اجرا كرد نوصيحا عرض

مي كنم كه فايده قرار داد انقدر محرز شده بود كه حتى در آن تصوب ملجبر را هم قيد نمودند و باز براي اينكه ايران شان كارگر شود بصب حقوق ملت مبادرت کرده در انتخابات مداخلة و عده از وكلاء مجلس را از نظر تصوب قرار داد نهيمن نموده اند چقدر فرق است بين سه سالار و وثوق الدوله كه از سه سالار وقتي دولتين تقاضای برقراري كنترول نمودند با اينكه ذاراي معلومات وثوق الدوله نبود نوشته كنترول را بنوشتن عيارت (بواسطه فرس مازور امضا ميكنم) وطني نمودن مراحل اداري طوري بي اثر كرد كه از او صرف نظر كردند و بزاي نحصيل اسناد دست نوسل بدامان وثوق الدوله دراز نمودند ولي آقاي وثوق الدوله تمام هوش و معلومات خود را صرف نمودند كه با چهزي بخارجه ها ندهند و با اگر ميدهند طوري شود كه مؤثر باشد از روي اين نظريه اقداماتي قبل از قرارداد و بعد از قرارداد فرمودند كه بر خلاف قانون و اخلاق و مصالح مملكت بود
 آقاي وثوق الدوله در تمام ادوار زمامداري خود شربه ممي با اخلاق مملكت وارد نمودند اخلاق حافظ نظام اجتماعي است چنانكه جاذبه حافظ نظام عالم است خاتم انبياء (س) نتيجه منحصر بهمت خود را انجام مكارم اخلاق ميشمارد بهمت لانسم مكارم الاخلاقي وقتي بزرگترين بهمتها نتيجه اش تتميم اخلاق كريمة را تد البته حاكي است كه كاهه ادبان دنيا هم و جديوي منحصر شان هيمن بوده است
 ايا يك نظر اجمالسي بلكه كتب اسماني و قوانين الهی در هر عصر و زمان اين اصل را نشان نميدهد و ايا نصبيع اخلاق عمومي مخالفت بين با تمام ادیان نيت؟ و ايا بواسطه اخلاق احزاب و اجتماعات همان احزاب و اجتماعاتي را كه هميشه با اختلافات مرامي در مقابل منافع عمومي و وطني و زميني كه مثل نفس واحد ايستا دكي كردند متلاشي نمودند؟
 آقاي وثوق الدوله اگر بهيج قانوني معتقد نباشند ايا ميتوانند قانوني را كه خودشان امضا نموده اند نرديد نمايند چه ماده ۲۵۸ قانون جزای عرفی ميگويد:
 هر كس بدون حكمي از مقامات مقتضيه و خارج از مواردی كه قانون جلب و توقيف اشخاص را نيجوز نمود شخصي را توقيف يا حبس كند يا عتفا در محلي مخفي نمايد محكوم به حبس دائم با قيد خواهد بود كه اقل مدت سه سال و اكثر پانزده سال است در اين صورت اباد استكري ۱۷ نفر از مترضين اعمال ايشان در مجلس روضه و در خانه خدا يعني مسجد شيخ عبدالجسين و خارج و حبس چندين ماهه آنها در مجلس قروين كه مقصودشان نهديد جامعه براي زمينه عقد قرارداد بود مخالف قانون نيت؟
 نوصيحا عرض ميكنم كه نيميدشكان وثوق الدوله بفرين همه صاحب يك نيت قيوده و اختلاط اشخاص مختلفان العقیده فقط از نظر ميوب نمودن افهان عمومي بود كه انكار عيو

مي در قضاوت اشتباه نمايند و اعتراض اشخاص وطن پرست را هم مثل مخالفت بعضي كه از نظر بخارص بود بشمارند و همچنين نيميد چهار نفر از وزراء يعني مرحوم ممتاز الملك و اقا يان محتمم السلطنه و مستشار الدوله و ممتاز الدوله و آقاي حاج معين التجار بوشهري كه از مترضين قرار داد بوده و حبس آنها براي مدت مديد در كاشان بر طبق گام حكوم قانون بوده است همان نيميد و حبس كه ايرانبان را در مملكت اروپا منتخز و سر بلند نموده و كمر قرار داد واشكست ماده ۱۵۹ قانون جزاء عرفي مي كويد هر يك از رؤساء و اعضاء و اجزاء ادارات و محاكم عدليه كه براي انجام امری كه از وظائف آنان بوده ولي قانونا رسومي بجهت ان مقرر نشده و عده يا نظيمي را پذيرفته و يا هديه و نثارفي را يقبول نمايد اگر چه انجام ان امر بر طبق حقايت بوده باشد از حقوق ملي محروم ميشود و بملاوه محكوم مست برد نثارفي كه قبول کرده است و در مقابل هر يك نومان نثارفي كه گرفته يا وعده نيكه با داده شده است محكوم بيت روز حبس قابل ابتياع خواهد شد در هر حال مدت حبس او و كمترا از شش روز نبايد باشد بر وطبق ماده ۱۶۰ و كاهه اشخاص ديگري كه مرتكب اين اعمال شوند از يك سال الي سه سال محكوم بحبس قاديبي و معادل انچه در ماده قبل مذكور شد حبس قابل ابتياع خواهد كرديد و بملاوه بعد از اتمام مجازات حبس از ۵ سال الي ده سال از حقوق مذكور در ماده ۱۷ كه يكي از انها عضويت مجلس شورای ملي و انجمنهای ايبالتي و بلدي است محروم ميشوند ابا پولها نيكه براي دادن امتيازات و قرار داد با ايشان رسيد موجب نيت كه ايشان را بمجازات اين مواد محكوم و از حق وكالت محروم نمايد بي مناسبت نيت كه عرض كنم مرحوم ممتاز الملك كسي بود كه هديه خوشناريا را بمبارف اعطاء نمود و راز نهاني را اشكار كرد ايا وثوق الدوله مشمول ماده ۲۲ نيت كه مي كويد هر كاه شخصي با دول خارجه يا مامورين آنها داخل در اسباب چنين شود يا آنها را بخصومت يا جنك با دولت و ادار نمايد يا وسايل انرا براي انها فراهم آورد محكوم بحبس دائم در قلاع خواهد كرديد حكم مزبور مجرا خواهد بود و لو اينكه اسباب چيني او مؤثر واقع نشود
 آيا مذاكرات (لاستيك) وزير خارجه دول متحده امريگي شمالي در پاریس تاريخ ۱۵ اوت ۱۹۱۹ كه اينطور كته و امريكا بيهوده كوشش كرد كه هبث ايراني در پاریس در انجمن صلح حضور بهم رساند و مطالب و مقاصد خود را اظهار نمايد و حتى سمي نمايندگان ملبون ايراني هم در پاریس براي مذاكره پارلر كرز بيجائي نرسيد در اين انجا سفير انگليس در طهران بايك دسته كوچكي از سپاهيون يك عهد نامه مخفي بست اين دسته كوچك سپاهيون فوراً پس از عقد صلح اداره امور را بدست آورده

بودند و هیئت ایرانی که در پاریس بود از کار لغت و منحل شد خلاصه یک بازی خطرناک و محرمانه در آورده شد (ترجمه روزنامه کاوه گرمجمادی الاخر ۱۳۳۸ - مطابق ۱۳ ژانویه ۱۹۲۰) کاشف از اسباب چینی نیست بموجب این مذاکرات دسته کوچک سپاهیان قرارداد را قبلاً مخفیانه بسته شد ولی چون زمینه ابراز حاضر نبود آنرا در ۹ اوت ۱۹۱۹ افشا نموده اند و آیا ابلاغه سفارت آمریکا که بر طبق مملکتکراف وزارت خارجه دول متحده در تاریخ ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۷ مطابق ۹ سپتامبر در طهران منتشر شد منبت اسباب چینی نیست؟ - اینک عین تلگراف قرائت می شود.

طهران - سفارت آمریکا در این روزها بشما تسلیم میدهید بزرگ زمامداران ایران و اشخاص علامه این مسئله را نکتذ نمایند که دولت انارونی از مساعدت نسبت بایران امتناع ورزیده است آمریکا همواره علاقه خود را برای سعادت ایران بطریق بسیار ابراز و اظهار داشته است نمایندگانی که از طرف دولت انارونی در کمپین صلح پاریس عضویت داشته اند مکرر کوشش و مجاهدت کرده اند سخنان نمایندگان ایران را در کنفرانس صلح مورد استماع قرار دهند نمایندگان آمریکا متعجب بودند چرا مجاهدات آنها پیش از این بقوت و مساعدت تلقی نمیشد لکن اکنون معاهد جدید معلوم میدارند که نتیجه علت امر بنگاهها قادر نبوده سخنان نمایندگان ایران را باضافه برسانند و نیز معلوم میگردد که دولت ایران در طهران با مدعی نمایندگان خود در پاریس مساعدت و تقویت کافی نمود.

دولت انارونی مدهه جدید ایران و انگلستان را با نسیب تلقی مینماید معاهده مزبور معلوم میارند باوصفا آنکه نمایندگان ایران در پاریس عا و مؤکدا طالب مساعدت و همراهی میگردیدند ایران از این بیبید مایل بکمک یا تقویت آمریکا نمی باشد

آیا اشخاص اسباب چینی بخطر مهر خود سند میدهید که در محاکمه مدرک باشد؟ (طهران سفارت آمریکا) بطور خلاصه با اینکه آقای وثوق الدوله میتوانستند که آبادی مملکت بدست ملل دیگر برای اهل مملکت مفید بود هر ملتی برای رفع زحمت و جلب فایده که یکی از اصول مهمه اقتصادی است اجنبی را بخانه اش نشاندن مینماید و اگر رفعت خوب بود هیچ ملتی نمیخواست ببد از اسارت یا جنگهای خونین و القات سنگین طوق وقت را رها نماید و با اینکه دیده اند اگر کسی در خرابی را خرید و آباد کرد نسبت بمالکین سابق خوشبین نیست و هیچ وقت نمی خواهد که آنها بایی از ابواب شرایع را نخواهند و مدعیین را بدهند بلکه مایل دارد همیشه در جهل بمانند و ادعائی ننمایند

برای تهیه زمینه قرار داد از هیچ عملی حتی قتل های بدون منگامه و بصر فاسد طاق مخفی نظم و محتایقه نفرموده و آنچه را که ممکن بوده نموده و تخم ای در دهان بندگان شکسته اند اگر کسی بگوید که چون قانون جزای عرفی رسمیه نظر دارد و در قانون مجوعه اطلاع هم برای کسی که بخواهد بپری اسلام را از رسول خدا گرفته با بیت لامال مسلمین تسلیم هون غیر مسلمان نماید یا اسباب

چینی و فساد نماید عقابیه نیست من بگویند با اینکه از علم فقه لطیفی نداریم در جواب آیه ۳۷ از سوره شریفه پنجم را میخوانیم که بفرماید

انما جزا العذیب بحار بون الله ورسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او یصلبوا او یصلبوا او یصلبوا

خلاف اوینقول من الارض فالتک لیم خزی فی الدنیا و بهم فی الآخرة عذاب عظیم در صورتیکه آقای وثوق الدوله مشمول یکی از حکام ابریه میشد حضرات خبیج اسلام نمایندگان عظام فرمایند چه حکمی از احکام شامل ایشان میشود یکی از دوستان آقای وثوق الدوله چند روز قبل به بنده مکتب که موقعیت مملکت در آنوقت ایشان را بمقتد قرارداد مجبور کرد زیرا در آن ایام قشون انگلیس قفقاز و بین النهرین را تصرف کرده و حتی در خود ایرانهم قشون دولت مزبور اقامت داشت لذا هر کس غیر از ایشان بود بمقتد قرارداد ناچار بود بنده با چهار دلیل او را مجاب نمودم

اولا تصرف قشون انگلیس در بین النهرین و قفقاز یک تصرف دائمی نبود و فقط از نظر پیش آمد جنگ بین المللی بود که اینک قشون دولت مزبور قفقاز را بخلیه کرد و رفت

ثانیا تصرفات یک دولتی در حدود مجاور و اقامت قشون او در داخله مملکتی دلیل نیست که ما را تسلیم نماید بواسطه ضعف و نالوانی عملا میگوید است تسلیم شد ولی نوشته تسلیم را نباید امضا کرد فرضا هم که مملکت دجارج تهدید بود دائمی نبود ایران در این عصر جدید چینی دجارج تهدید شده ولی استقامت باعث نجات او گردیده است حرف شما مثل این است که جمعی طرفین قتل کسی باشند و او قبیل از کشته شدن انتخاب نماید اگر کسی مقتول شد و راه نمیشود از قائل دین بخواند ولی اگر کسی خود را کشته باید جهنم را طوق نماید هر شرفائی که در قدر کتد غاصبانه و جای حرف باقیست ولی هر شرفائی که از روی ملاک حسه جای سخن نیست مگر اینکه یکی از جهات قانونی بی اعتباری ملاک ثابت گردد

نسخین حسن سبادت و قبیح اسارت چیزی نیست که معلومات عالی بخوانند این مطلب مثل الکن اعظم من الجزء از بدیهیات اولیه است و با اندک فهمی هر کس می داند که حکومت داشتن در یک مملکت آباد است بقای این مملکت ایرانی که دیانت مناسبت و هر کسی که شرافت مند است نمیتواند باید روی دو اصل از وطن خود دفاع کند و خود را تسلیم هیچ قوه ننماید که یکی از آن دو اصل اسلامیت است و دیگری وطن پرستی

و امروز در مملکت ما اصل اسلامیت اقوی است زیرا بک مسلمان حقیقی تسلیم نمیشود مگر اینکه حیات او قطع شود برای جلب این قبیل مسلمین است که دول مسیحی در پای تخت های خود موجد سنا غنما باندولیک متجدد سطحی و بی فکر و نمیتوانند بیک نمارفی تسلیم نمایند اصل اسلامیت و اصل وطن پرستی با هم نمیتوانند نسبت و نسبت بین آن دو از نسب از همه عظم و خصوص مطالب است یعنی هر مسلمان وطن پرست است چه حب الوطن من الایمان ولی میشود که وطن پرستی مسلمان نیابد هم چنان که متذکر غیر مسلمان روی این اصل وطن خود را حفظ مینماید

ثالثا - بنده نمیتوانم قبول کنم که آقای وثوق الدوله مجبور بود زیرا ماده اول قرار داد در خصوص استقلال دولت ایران حاکی است که ایشان بایک عیارات قریب دهتنده خواسته اند طبقه عوام را افضال نمایند ولی خوشبختانه زود معلوم شد که ملتی که قشون و الیهایش دست دیگری است استقلال ندارد

رابعاً - بنده نمیتوانم مجبوریت ایشان را تصدیق کنم زیرا شخصی که پول گرفت راضی نیست و او را نمیتوان مجبور دانست کما اینکه سپهسالار که پول نگرفته بود قید نوریس مازر رادر نوشته گذرتول نمود مجبوریت خود را ثابت و نوشته را بی اعتبار کرد در جواب من مستمع گفت ادله شما صحیح است خصوصا اینکه مسئله پول زبان مسا را الکن مینماید بالاخره از مطلب دوو شدیم اگر بگویند که نا محاکمه نشده هر نسیتی که لو وثوق الدوله میدهند اتهام است و نا محاکمه صالحه حکم نکرده نباید فریب اثر داد عرض میکنم که اتهام بر دو قسم است نعت های وارد و نعت های غیر وارد اگر اتهامی وارد نیست آنکه با دلیل باید رد نمود اگر وارد است تشکیل نشدن محاکمه سبب نمیشود که شخص متهم در راس امور مهمه قرار گیرد بلکه بر خلاف آنکه هم شاغل شغلی هم هست او را معاف و بل از محاکمه او را حبس مینمایند تا محاکمه رای خود را برای مدت مجازات اظهار کند و سپس قبل از محاکمه را از آن بابت حجاب نمساید

ای نمایندگان چشم ملت ایران سیاه شد بیک از بعضی از رجال خطاکاری و خیانت دید و ای بر کزیدگان همان چشم از انتظار سپید شد از بس محاکمه رجال وطن فروش را دیدید در مملکتی که مسئولات هیئت وزراء زودی بی بود و در مملکتی که اهلش این درجه فراموش کردند از خائنین خیانت بهسه سرایت می کنند مصالح مملکت و منافع ملت و ناموس جمعیت فدای اغراض و قربان گشته اشخاص میشود در مملکتی که برسان نزد نقیب می شوند ولی وزراء با وسائل نوردستانه خود را از مجازات مساف می نمایند

مشروطیت چون جسم بی روحانی است که بر سر طعمه وحوش و بطور شود مشروطیت وزراء وقتی بختن دارد که مجلس شورای ملی اقدامات و عملیات هر وزیری را که متنافی مصالح جماعت است تعقیب نماید

این دفعه سوم است که آقای وثوق الدوله بواسطه علما نشان از صحنه سیاست دور شده و باز اکتفا میشوند

اولی - در اوایل جنگ بین المللی در کابینه آقای مستوفی بسبب وزار مالیه ۲ - در نتیجه نقصن جمعی در حضرت عبدالعظیم که منجر به تشکیل کابینه قرار داد شد

اکنون هم بواسطه حق نازشتم وزیر شده و هم میخواهند وکیل باشند در این سه مرتبه هیچ کس از ایشان نپرسید که شما با چه عقیده سرکار می آید و یک حرف که دلالت بر دشمنانی و ندامت کند از ایشان کسی نشنید و دو هیچ جریده منتشر نکردید ایشان همیشه بقون هیچ قید و شرطی پاکسائی شده و بعد از آنکه ثابت خود را اجرا نموده اند نظیر کنندگان آنکت خود را جویده اند این عملیات را بنده شبیه میکنم بسان کسی که شکاری را سر نیزه میآورد و بعد

از کشته شدن شکار برای جدا و کریمه میکرد حالا که مجازات در کار نیست حالا که خدمت با خیانت فرق ندارد و بلکه خیانت ترجیح دارد و نشوقی میشود حالا که روح آزادی خواهان و وطن پرستان را خفه میکنیم آیا بهتر نبود که آقای وثوق الدوله اول با دوستان مجاور ما تفریح حساب مینمودند و بعد وزیر می شدند زیرا بموجب المکراف که با آقای سیه دار نموده اند برای انجام قرارداد دویت هزار تومان گرفته اند

بی مناسبت نیست عرض کنم یکی از دوستان آقای وثوق الدوله چند روز قبل بیکت ایشان ابداد را این پول تصرفاتی نگردم و آن را برای دولت ایران ملک خریدم ایند - یکی از علمای عظام در جواب گفت که اگر برای دولت انگلیس که تمهید بودید پسندیده تر بود - دولت مزبور برای انجام کار پولی دیار چون صورت نگرفت باید استرداد نماید بار وثوق الدوله سنگین است خواهش مندم از این سنگین تر نکنید از روزی که ایشان پول مبرق فتنه مات کجا بود که املاک را برای ملت خریده باشند

حالا هم ملت نیست و قبول املاک یک سابقه بدست که برای مملکت ایران فوق العاده گران است زیرا هر دولتی هر وقت برای اجرای خیالش به خائنین پول داد و موفق شد بخواهد این سابقه داده های خود را از ملت فقیر ایران مطالبه مینماید بمانند و برای خدا دست از کربان ملت بردارید و بگذارید آقای وثوق الدوله پول را از هر کس گرفته اند باز رد نمایند و با اینکه همین املاک را او اکتدار نمایند دست آقای وثوق الدوله گفت دولت خارجی نمی تواند در ایران ثلثک نماید و آقای وثوق الدوله هم بواسطه بعضی معاملات در اروپا متضرر شده و نمیتواند وجه نقد ادا نمایند عالم محترم جواب داد که فتوای من این است که ثلثک نمایند زیرا ثلثک آنها بقدر این سابقه برای ما مضر نیست در اینصورت دولت انگلیس حق دارد وجهی که با ایشان داده از خودشان مطالبه نماید و چون هر مقروضی در مقابل طلبکار مستقل نیست خصوصا اینکه طمع کار هم باشد پس آن کسیکه از اد نیست چکونه میتواند وزیر دولت ایران بشود و منافع مملکت را حفظ نماید کما اینکه اخیرا در زمان وزارت مالیه ایشان با بانک شاهنشاهی قرار دادی گذشته که هم مخالف قانون است و هم بختل مملکت مضر که بنده لازم میدانم بعضی از فقرات آنرا عرض نمایم البته آقایان در نظر دارند که مطابق فقره دوم از ماده نهم انحصار قند و شکر اینست که بقیه عواید حاصله منحصرند برای ساختن راه آهن و با احتیاجات مربوطه بان تخصیص داده خواهد شد و صرف آن در غیر ساختن راه آهن و متعلقات آن هر چند استقراری از داخله یا خارجه باعتبار وجود مزبور ممنوع است عواید حاصله بتصویب هیئت وزراء در یکی از بانکهای معتبر بحساب مخصوص و دیمه گذارده میشود مشروط بانکه قبل از ودیمه بانک مزبور تمهید شود از حق نهار صرف نظر نماید و اینک بنده آقایان را باین عرضی کمی کنم متاثر مینمایم و آن اینست که قوه مجریه قوانین مجلس را لازم الاجرائی دانند

این ماده بمیکوید عایدات قند و چای باید به تصویب هیئت وزراء در بانکی ودیمه گذارده شود چنین تصویب نامه تاکنون صادر نشده

و بعد میکوید قبل از ودیمه بانک مستودع متمهد شود از حق نهار صرف نظر کند عایدات به بانک شاهنشاهی داده شده و چنین تمهید نامه اخذ نشده است و بعد فقره چهارم قرارداد بانک شاهنشاهی در تحت فصل قروض و مساعدت و اضافه دریافتی دولت از بانک میکوید و بانک شاهنشاهی باعتبار وجوهات انحصار قند و چای و مالیهات راه مساعدت هائی بدولت علیه خواهد پرداخت که میزان فرغ آن نسبت بفرعی که بانک بابت وجوهات مزبوره در امانات ثابت بدولت علیه مبرر ازاد صدی دو علاوه خواهد بود بانک شاهنشاهی تا معادل مبلغ کل حسابهای امانتی ثابت دولت علیه کدر هر موقع نزد بانک است مساعدت های موقتی و قروض و فاضل مدیون در حسابهای دولت را خواهد داد و فرغ آن از قرار صدی دو فرغ وجه و وجوه امانت ثابت یکساله که بانک شاهنشاهی میدهد خواهد بود

در مواردی که میزان مساعدت های موقتی و قروض فاضل مدیون در حساب های دولت از جمیع کلایه وجوه امانت ثابت دولتی نزد بانک شاهنشاهی تجاوز نماید فرغ قسمت اضافه از قرار صدی سه فرغ حد اقل فرعی که بوجوه امانت ثابت نعلق میکوید خواهد بود

ایا جمله اول این فصل : « بانک شاهنشاهی باعتبار وجوهات انحصار قند و چای و مالیهات راه مساعدت هائی بدولت علیه خواهد پرداخت » مخالف با قانون عایدات قند نیست لمیکوید : « استقرائش از داخله یا خارجه باعتبار وجوه مزبور ممنوع است »

اما راجع بمضار این قرارداد در اینجا دو نظریه است : نظریه اقتصادی و نظریه سیاسی - نظریه اقتصادی محتاج بمطالعه نیست که اهل خوره یا اشخاص بصیر با امور صرافتی در آن بنمایند ولی نسبت بسببسی نظریه بنده این است که فصل ششم این قرار داد که میکوید : « بقا بر مقررات فوق الذکر وزارت مالیه موافق است که در تمام مدت اجرای این قرارداد کلیه معاملات بانکی دولت علیه در ایران که در اختیار خود باشد و همچنین معاملات میدالائی از ایران بخارجه و بالعکس که توسط دولت علیه انجام میگردد (سوی معاملات میدالائی وزارت جنگ که در انحصار بانک شاهنشاهی ایران مختار است قرارداد علیه مدهمتمه نماید) بلااستثناء بتوسط بانک شاهنشاهی ایران صورت خواهد گرفت - از دولت ایران سلب آزادی کرده و تسلط بانک را در کلیه معاملات بانکی وزارت مالیه تسویب نموده است

هر کس ماده ۴ ضمیمه قرارداد انگلیس و ایران را که میکوید : « دولت ایران حق نادیه این قرض را در هر ناربخی از عایدات هر قرض انگلیس که ممکن است عقد کند خواهد داشت » بخواند استنباط میکند که نویسنده این دو ماده یکی است این ماده از دولت ایران سلب آزادی میکند که از هیچ دولتی و لویه تنزیل کمتر نتواند اشتقراض نموده قرض دولت انگلیس را نادیه نماید

فصل ششم قرار داد بانک شاهنشاهی هم دولت را ملزم میکند که با هیچ بانکی غیر از بانک شاهنشاهی طرف داد و ستد نماید مثلا اگر یک تاجر ایرانی برای معاملات تجارنی خود در لندن به لیره محتاج شود و بخواهد بشرخ روزا وزارت مالیه بخواهد کمپانی فقط جنوب خریداری کند قرار داد وثوق الدوله او را از این

نفع محروم و محکوم بقر اقتصادی نموده است و یا اگر بانک دیگری خواست شرایط بهتری با دولت ایران معامله نماید؛ چون این فرار دامنازع است دولت باید از این استفاده محروم باشد

بمقیده بنده اگر این قرارداد سر ناپا بهره باشد این شرط مضر بمصالح ماست و هیچ دولتی از خود بساخته بار سلب آزادی نمیکند که وزارت مالیه آقای وفاق الدوله از دولت ایران نمایند

دولت آزاد است که شرایط هر کسی بهتر است با او معامله نماید بنا بر این اصل بنده عرض میکنم که شرایط اقتصاد هم نامین نیست زیرا هیچ اصل اقتصادی نامین نمیشود مگر اینکه قانون عرضه و تقاضا در کار باشد یعنی انحصار رقابت را از بین نبرد تا با اربابان فروش طرف شوند و از معامله با اربابان فروش اجتناب نمایند ولی اگر قانون عرضه و تقاضا در کار نباشد و از خود سلب آزادی نموده و مجبور باشند که همیشه بایک نفر طرف بشوند نرخ معاملات تجاری دست بانک و این قرارداد فقط در منافع او معتقد شده است

و قسمت اول از فقره دوم این فرار داد که میگوید و فرخی که بزرگ شاهنشاهی ایران از آن فرار پروات المکرانی پسا کتبی را از دولت علیه خریداری می نماید از میزان نرخ فروش بانک در روز معامله صدی نهم کمتر خواهد بود حاکی از این نظریه است زیرا هر موقع که دولت عایدات فقط جنوب را بیاید حواله میدهد که در لندن از کپسانی بگیرد لیره دولت بمیلانی نسی می شود که بانک شاهنشاهی در آن روز يك عده لیره بزخی که می خواهد در طهران بفروشد

این فرار داد بر خلاف اصل ۲۴ قانون اساسی است که مذکور شد زیرا هم انحصار است و هم در مالیه مملکت موثر لذا باید مجلس تصویب نماید

آقایان محترم در آن موقع هر طور صلاح بدانند فرمایند و با تصویب مجلس نرسد نمی توانند آن را اجرا نمایند و نظر باینکه در فرار داد این شرط نشده لذا با قانون اساسی مخالف است

این بود قرار دادی که در ایام وزارت مالیه آقای وفاق الدوله بابانک میقتد گردیده است که اگر آقای مستوفی الممالک از آن مطلع بودند نیز نموده چون در این کابینه از وزراء خود چیزی ندیده ام اخلاقاً نمی توانم از آنها صرف نظر نمایم مراضی هستم که آنها بیایند و خود بروم و این بود اعمال آقای وفاق الدوله نسبت به سیاست بین المللی در ایام گذشته و نسبت به سیاست داخلی عرضی نمیکند زیرا میشود که اعتراضات بنده و حمل به عرض نمایند و بگویند که اعمال مستحق الا اعتراض زیاد است پس چه شده که من فقط اعمال ایشان را موضوع اعتراض خود می نمایم ایست که با ادله و براهینی که هست در سیاست داخلی ایشان ساکت و از ورود در این قضیه بکلی اجتناب می نمایم بلکه اشخاصی مثل ایشان نمیکند که اصل مجازات و مکافات را عملاً رعایت کنند تا اینکه دست خائنین از کار کوتاه شده و دیگران بخدمائی که میکنند در آنچه امیدوار باشند ولی متأسفانه عدم رعایت این اصل موجب تشویق خائنین و بیاسی خادمان خواهد شد خصوصاً اینکه وضعیات امروز بسیار دوره قرار داد طرف مناسبت نیست زیرا عناصر

متنفذ مرعوب و عامه بفرحمتلا گردیده اند حکومت نظامی و سانسور مطبوعات و آزاد نبودن اجتماعات که بهترین وسایل اختناق است بخود صورت عادی گرفته و وسایل فقر و نکدستی از هر جهت فراهم گردیده است چنانچه کسی از مرکز مملکت بخواید با طرف نزدیک برود باید چند روز برای اخذ جواز حمل باشد قبل از تشکیل کابینه و مجلس که آقای رئیس الوزراء می فرمودند کار را فقط برای اجرای قانون اساسی قبول می کنند بنده با این خیلی امیدوار بودم ولی با کمال تألم می بینم که آنچه فرموده اند فراموش شده و متابعت شخصی مثل ایشان از این رژیم بنده را بی نهایت نسیت با بنده می نماید چنانچه فرقی است که اگر ما حوری مایملک کسی را گرفت جرئت سخن نیاند تا ایام فرار داد که با آن همه لیره ها و حبس ها و قتل های بدون محاکمه و نیمید رجال وطن پرست بازار در مردم رمقی بود که با قرار داد مخالفت نمایند امروزه آنها اوضاع داخلی طرف مناسبت نیست بلکه اوضاع بین المللی راهم نمی توان بان ایام تشبیه کرد و همین جهت آقای وفاق الدوله را بفکر شکار انداخته و آقای رئیس الوزراء با باهمیت قضیه توجه نداشته اند و باینکه وضعیات کنونی طوری ایشان را مایوس نموده که بدست وفاق الدوله انتحار می نمایند زیرا برای اشخاص وطن خواه مملکت کنی خود کنی است

مجلس شورای ملی

بقیه جلسه ۱۱

بمدان نفس مجلس عقارن ظهیر تشکیل گردید رئیس - در موقع نظن آقای مدرس یکی از وکلاء اظهاری کرد اخطار کردم بنده تصور کردم که آقای عدل بودند بعد معلوم شد که ایشان نبودند و کسی دیگر بوده است به حال توضیحاً بعرض برسانم (آقای وفاق الدوله بفرماید (ان شخص میرزا عبدالباقی نماینده بار فروش بودند)

نطق و شوق الدوله

بعد از تشکر از فرمایشات آقای مدرس قبل از اینکه وارد جواب اعتراضات و ایرادات آقای دکتر بشوم لازم میدانم یک مقدمه مختصری بمرض آقایان محترم برسانم

بنده علاوه بر آنکه قسمت غالب عمر خود را در خدمات دولتی صرف کرده ام متجاوز از بیست سال آنرا در خدمات مهم مملکتی و سیاست عمومی بسر برده ام اتفاقاً غالب مواقع اشتغال من باین خدمات بامشکل ترسین مواقع تاریخی مملکت مصادف شده است

بلی بنده در اوقاتی مسئولیت کار های عمومی را برعهده گرفتم که احتمال خطرات و مهالك برای مملکت زیاد بوده است و رجال سیاسی و اشخاص بزرگ ما اشکالات را به اندازه وارد دیده اند که صلاح ندانسته اند مسئولیتی بعهده بگیرند

شاید بیاره ملاحظاتی هم حق با آنها بوده است در این قبیل مواقع غالباً قضایا با این نظر تلقی شده است که چون ممکن نیست حل اشکالات و دفع خطرات مملکت موافقت انتظارات عامه صورت پذیر شود و ایراد و اعتراضی جلب نکند کنازه گویی بصلاحت نزدیکتر است هر چند

من یقین دارم که اگر ان اشخاص هم بحسن عدالت و انصاف حکم کنند کان در قضایا امیدوار بودند و اعتماد داشتند که عدم معلوم عامه بپنرس و الیش را بفطرت خود و امیکدازند تا قدر خدمت را بشناسند و جواب مدعی و مقتری را بدهند در قبول مسئولیت و خدمت به مملکت از هیچ فداکاری مضایقه نمی کردند

بهر حال بنده منطقی دیگر داشتم و معتقد بودم که قطناً از تعطیل کارها مضرات و مهالك بیشتر متوجه میشود و اجتهاد شخصی من این بود که از ایراد و اعتراضی اندیشه نباید کرد و بمشهور شدن یا نشدن مساعی اهمیت نباید داد و از محو شدن وجهت و حسن شهرت نباید نرسید نتیجه این منطقی این بود که بنده در شدیدترین مواقع قبول مسئولیت کردم و در هر موقع بر حسب عقیده و وجدان خود بر آنچه بهترین وجوه و اقل محظور ها تشخیص دادم تسلیم کردم

تصدیق میکنم که در هیچ مورد بر ارتکاب خیر مطلق موفق نشده ام زیرا آنچه موافق با امال بوده است و سائنس برای ما موجود نبود پس مابین اموری که حتم داشتم محل ایسراد و اعتراض واقع میشود آنچه را یقین داشتم با مصالح مملکت موافق تر است اختیار کردم ولو اینکه میدانستم بیشتر از سایر ادورود تشبیه و اعتراض واقع خواهد شد

با همه اینها عرض میکنم بنده مدعی عسرت و مصونیت از خطا نیستم و هیچیک از آقایان هم نباید باشند خیلی ممکن است در تشخیصات خود سهو کرده باشم ولی اطمینان میدهم که هیچوقت بعهده نخواسته ام ضرری بمملکت متوجه کنم بلکه مقصودم جلوگیری از ضرر بوده است

عرض دیگرم این است که پس از بیست سال زحمت و خستگی های روحانی باراده خورد از مملکت مهاجرت کردم در شش سال مدت غیبت من دشمنان من از اعتراضات و نهمت بر من کواهی نکردند دوستان من هم غالباً ساکت نشستند زیرا مامور بمداغه نبوده بلکه مامور بسکوت بودند البته پس از غیبت طولانی و آنچه در غیاب من گفته یا نوشته شد حتی در کرسیهای همین پارلمان المناظ شدید برضدن استعمال کردند و مخصوصاً بعد از آنکه دیدند بعد از مراجعت من قسمتی از مردم در حق من اظهار حسن ظن کرده مرا بسمت نمایند کسی خود انتخاب کردند منتظر نبودم مخالفین من از جمله و اعتراض ساکت بنشینند بلکه خیلی طبعی است حرارت آنها زیاد تر شده و امروز مرامورد اعتراض قرار دهند بنده هم اگر جوابهایی دارم باید عرض کنم و قضاوت را برای نمایندگان محترم و افکار عمومی واگذار نمایم

اینرا هم بدانند که از این اعتراضات متاثر و بلکه از محکومیت هم ملول نمی شوم زیرا فرضا من در نزد شماها بلکه در مقابل معاصرین خود معلوم و محکوم واقع شوم اعم از اینکه این محکومیت از روی سهو در میباید باشد یا از روی عدم اطلاع از حقایق که هنوز هم اظهار آنها موافق بصاحت مملکت نیست بالاخره وقتی حقایق آشکار میشود و اگر مازنده نباشیم تاریخ دنیا و اخلاف ما قضایا را با نظر وسیع تر و آذهان صاف تر و اطلاعات کاملتر محاکمه خواهد کرد

بعد از مقدمه اول در موضوع قرار داد ۱۹۱۹ که نقطه برجسته اعتراضات آقای دکتر مصدق است بحث میکنم

و قبل از اینکه داخل آن بشویم بمقیده بنده لازم است در کسبفات و خصوصیات موقعی که قرار داد در آن موقع منقذ شد داخل بشویم

البته آقایان نمایندگان محترم فراموش نفرموده اند که دوازده سال قبل صادق بزرگ جنک بین المللی در اروپا واقع شد در این کشمکش بزرگ دنیا دولت ایران اعلان بی طرفی نمود ولی نظر باینکه البته پیش بینی چنین امر مهمی نشده بود و سائل حفظ بیطرفی و اجرای این نهمد موجود میشود نتیجه این شد که دول متخاصم از هر طرف بیطرفی ما را نقض کردند و اراضی ایران هم یکی از میدانهای جنک واقع شد اما دستجات ملت و مردم ایران هم بر اثر عدم توانائی و بی اسبابی دولت و ورود قشون ها اجنبی و ملیتات آنها هر کدام سبستی برای خود اتخاذ کردند و کار مملکت منتهی بیک نوع هرج و مرج فکری و عملی گردید در نتیجه آن قوای نامطمئن مملکت که با زحمات و مخارج زیاد تشکیل شده بود معدوم گردید اغتشاش و نا امنی و دزدی و غارتگری و خود سری و طغیان در سراسر مملکت حالت طبیعی وعادی شد حتی در شهر طهران قوای تروریسم وادام کسبها مدعی حاکمیت شدند

قحطی و کرسنگی و در اثر ان امراض مهلكه عوامل بد بختیهای دیگر واقع شدند

در مقابل تمام این بد بختی ها دست دولت های وقت نهی و وسایل چاره از هر جهت مفقود بود مالیات های داخلی بر اثر وقایع فوق لاوصول عائدات کمزرت بواسطه فلج نام تجارت منتهی بسفر و تحصیل هر نوع عائدی حتی نوسل با استقرار خارجی غیر مقدور بود

بنده در شدید ترین موقع جریان این قضایا و در وقتیکه هنوز جنک اروپا نا تمام و نتیجه اش نا معلوم و نامشوار عوامل بد بختی در ترقی بود باز مامور شدم که بد نامی های جدیدی را برای خود ذخیره کنم

البته از کران باره مسئولیت نرسیدم و بالاخره در سایه يك سال زحمت ششانه روزی و ماموقه با هزار سلسله مواعض نا کمتنی به تجدید تشکیل قوای نامطمئن مملکت و تهیه اسلحه برای آنها و قلع و قمع اشرار و یاغیان که کامنت عمومی را تهدید میکردند و ثامن ارزاق و راه انداختن چرخهای ادارات دولتی و امثال این امور موفق شدم

در این بین جنک خانسه یافت اینجا لازم است نمایندگان محترم و شما مردم يك مزاجه بیطرفانه بحفاظت خود بفرمائید و بخاطر بیباورید که جنک بچه صورت خانسه یافت وضعیت دوره آنروز و خصوصاً وضعیت مملکت ما در آنروز چه بود و سیاست های افرادی میهم و غیر معلوم چه موقعیتی برای ما ایجاد کرده بود و برای ادامه حیات روزانه خود و انتظار موقع مناسب تر چه وسائل داشتیم و بالاخره درخت کهن سالزندان ما که از زندباد حوادث جنک و اشتباهات خودمان شکسته و پژمرده شده بود از کدام منبع آبیاری میشد

بلی جنک خانسه یافت اما هنوز خاک مملکت ما مملکت کرسنگی و فتنه جانی بود و مخاطرات

بسیار از انواع مختلف حیات مارانهدید می نمود و بجهت برای یکی از شما آقایان در زندگی فردی اتفاق افتاده است محیط سهل حوادث و بد بختیهای مختلفه شده باشید و راه چاره و حتی فرار را از هر طرف سدود دیده باشید اگر چنین تجربه را در عمر خود دارید حال آنروز مملکت ما و شخصی را که آنروز مسئول کار بوده در نظر مجسم نمائید

بر هر تقدیر جنک اروپا تمام اما بد بختی های ما تمام نشده و اگر بر مشکلات ما نیز بود از مشکلات ما چیزی نکلت حتی اگر در ایام جنک سیاست بهتری هم اتخاذ کرده بودیم باز هم ممکن نبود بمجرد تمام شدن جنک گرفتاریهای ما بخصوص گرفتاریهای اقتصادی دفتنا خانسه باید چنانکه مشکلات خود دول اروپا حتی دول غالب هم پس از هشت سال که از اختتام جنک میگذشت هنوز خانسه نپافته و هیچ مملکتی بحالت عادی قبل از جنک عود نکرده بدیهی است عین فدا بزرگ در موقع دوام جنک با آنها نوسل شده بود دیگر مؤثر نبود و ندادید دیگر ضرورت داشت و از همه اشکالات بهتر این بود که در تحت تاثیر وضعیت فوق و نظر بفقدان تمام وسائل در داخله مملکت محتاج به تحصیل کمک خارجی بودیم

هر نوع استمدادی از مراکز خارجی دیگر با اوضاع آنروز دنیا متنوع بود حتی مایورین و نمایندگان مادر کنفرانس عمومی دچار اشتکالات شدند و باظهار مقاصد ملی ما موفق نکریدند

اضطراب حقیقی داعی شده که با مملکت را تسلیم حوادث کرده از عمر که بگریزیم یا با مرکز واحدیکه در آن موقع استمداد از آن ممکن بود داخل مدار کرده و قراری بشویم

اینتجا هم بدون ملاحظاتی شخصی بلکه با یقین بر اینکه حبلات و اعتراض شدید بر خود جلب خواهیم کرد آنچه از نقطه نظر نوعی بمقیده ما اقل محظوبین بود انتخاب کردیم و با نتیجه چند ماه مذاکره و تبادل افکار بعهده قرار دادی که فعلاً مورد اعتراض معترض محترم میباشد منتهی گردید

حالا اگر اجازه بفرمائید قدری هم در ماهیت قرار داد حرف بزنیم نکات اسلبه قرارداد ۱۹۱۹ که علی الظاهر بیشتر مورد تشبیه معترضین است اینهاست

که دولت متناهد ما وعده میدهد که مستشار ها و متخصصین که لزوم استخدام آنها با توافقی نظر طرفین ثابت شود بنا بدهند و مستشارها و متخصصین مزبور بموجب کتبات با خود مستخدمین اجبر شوند و اختیارات آنها با توفیق نظریین دولت ایران و خود متخصصین تعیین شود پس چون نهمد اولی يك طرفی بوده و در خصوص لزوم استخدام هم توافقی نظر طرفین شرط نشده و برای عدم استخدام یا عدم حصول توافقی نظر حکم خاصی معین نشده نتیجه عدم اجرا از طرف مادر هر موقع فقط لتفناع شرایط دیگر از قبیل استقرار و نهمد اینکه در مراسمه ضمیمه قرارداد شده و بالاخره لئو شدن قرار دادی توانسته است باشد و اینهمه مطلوب مخالفین قرار داد بوده و نالی فاصل دیگری حقا بر آن مترتب نمی شده است

۱. راجع باختیارات مستشار ها که موقوف بتوافق نظر اولیای دولت ایران و خود مستشار ها بوده و رای دولت متناهد مدخلیت نداشته مطابق اصولی

است که فعلا نیز با مستشارهای امروزی دولت از آن قرار معامله میشود گذشته از مراب فوق مابین متماهدین همیشه مفهوم مسلم بوده است و بعد هم بر حسب بیانات رسمی نمایندگان طرفین و نیانه ها و فکرها این جانب در همان وقت داده ام تا کسب شده است که اجرای قطعی قرار داد منوط بتصویب مجلس شورای ملی ایران خواهد بود و هرگاه از نقطه نظر احتیاجات باجری بعضی از مواد شروع گردیده محکوم به نسخ بودن آن اقدامات موقتی هم در صورت عدم تصویب مجلس بین طرفین مفهوم و مسلم بوده است چنانچه عملا هم این ترتیب واقع شد و در ساعت حاضر قرار داد هرچه بوده باجری طرفین ملای شده و اگر اثری هم از یکی از مواد آن باقی است ظاهرا بصره و صلاح است (مقصود قسمت ثمره کمربندی است که فعلا بان عمل میشود) اما فلسفه حقیقی قرار داد و عمل مهم تر و بزرگتری که انعقاد آن ایجاد کرد مشکلات ایفاء نهدات برای یکی از دو طرف متماهد و موجباتیکه مصالح را تغییر داد و علت و معلولهای تاریخی که بر اثر یکدیگر واقع شدند و در نتیجه عقاید و سببهاست تا امروز گردیدند و بالاخره اینکه عامل نشودن چه بود تمام اینها سائلها هستند که هم از حوصله بیانات امروزی من و هم از مقتضای صلاح وقت خارج است انشاء الله این حقایق را وقتی در آثار محققین سیاست خواهید خواند و با فکر روشن تر در قضایا حکم خواهید کرد

راجع بعد وسی هزار ابره همینقدر میتوانم عرض کنم که اگر به آقای دکتر صدق از این باب چیزی رسیده است به بنده هم رسیده است و اگر معلوم شود من همچو وجهی گرفته ام علاوه بر اینکه برای غرامت و اضافات ان حاضرم تمام اعتراضات آقای صدق را بر خود وارد میدانم

هرگاه مجلس لازم بداند حاضرم این عرایض را در هر کسبورتی مجلس امین نماید اطمینان مینماید ضمنا خاطر نشان میکنم که مناسب تر بود این قسمت از اعتراضات از طرف کسی بمن ایراد شود که در مورد سوابق اعمال خودش هم از اصول مرور زمان و کسم حافظ بودن معاصرین استفاده نکند

در باب مسائل دیگر بکه موضوع اعتراض آقای دکتر صدق است مسئله امتیاز زاه آهن جلفا در موقتی گذشته است که کابینه وقت بشامل قسمت مهم رئیس الوزرا های سابق و لاحق بوده اشخاصی که خود آقای دکتر صدق هم در وطن پرستی آنها تردید ندارند ان امتیاز را امضا کردند و بالاخره راه آهن که موجب ان امتیاز ساخته شده امروز مال دولت ایران است

اینکه گفته اند بنده نسبت عضو فاسد بودن به هم لرین قسمت مملکت و شریف ترین عضو آن داده ام و قتیکه دشمن های من قسمت های عجیب بمن میدادند این مسئله را هم جیل کردند و بالاخره در یکی از جراید وقت انتشار دادند بنده بقدری بمسئله اهمیت دادم که عریضه به مجلس شورای وقت بوسیله آقای مؤمن الملک عرض و استبداعی رسیده گری

و حتی عرض کردم که اگر کسی ادعا کند چنین نیازی از من شنیده است من اقرار خواهم کرد که گفته ام بالاخره مدعی پیدا نشد و حالا بعد از ۱۳ سال باز این الفاظ از دهان آقای دکتر صدق شنیده میشود

اینکه میفرمایند بنده اخلاق عمومی مردم را خراب کرده و احزاب ایران را متلاشی کرده ام این فرمایشی بقدری پر فلسفه و دقیق بود که من از فهم آنهم عاجز و نمیتوانم تشخیص بدهم که بجهت وسيله اخلاق عمومی را فاسد کرده ام یا احزاب را چگونه متلاشی کرده ام وجود حزب در مملکت معلول يك علت هائی است که هر وقت آن علت ها موجود بشوند احزاب هم موجود میشوند و من و امثال من نمی توانیم آنرا ممدوم و متلاشی نمایم و اگر آن علت موجود نشود من و آقای صدق نمیتوانیم حزب بسازیم امیدوار هستم علت وجود احزاب صالح در مملکت موجود شود و هر وقت شد بنده نیز در آن احزاب داخل شوم

راجع بامتیاز انبیکه می فرمایند در ستاره ایران با آنها اشاره شده هر چند در همان موقع جواب داده شده توضیحا عرض میکنم که غالب آنها تصدیق یا تسبیح امتیازاتی بود که در کابینه قبل داده شده است و بالاخره هیچکس از آن امتیازات اجرا نشده باین معنی که قبل از آنکه موجبات دیگری برلی لغوشدن آنها فراهم شود خود من آنها را لغو کرده ام

در موضوع دستگیری و تبعید اشخاص به آقایان اطمینان میدهم که با هیچکس غرض شخصی ندا تم اگر اشخاص بوده اند که خواسته اند محل امنیث واقع شوند و نسبت با آنها تسبیحا نی شده است فقط برای جلوگیری از اختلال نظم بوده است

راجع بقرار دادی که میفرمایند با ملک شاهی منعقد شده است روح من از چنین قرارداد مطلع نیستم اطلاع داشته و نه امضا کردم و بهمن علت توجه و دقت زیاد باین قسمت فرمایشات ناظرم محترم نکردم

راجع به پولیس جنوب شاید آقایان مطلع باشند که بر قراری پولیس جنوب و تشکیلات آن با ازدیاد قوای قزاق در قراردادیکه قبل از تصدی بنده مابین یکی از زمامداران وقت و دولتین همسایه منعقد گردید قبول و بمصلحتات آن شروع گردید پس از آنکه من متصدی ریاست وزراء شدم قسمت مالیه آنرا بازحمانی که منصفین منور در نظر دارند الفا کردم اما برای نسخ قسمت های قشونی و ساقلی نداشتم

هرگاه گفته شود قوای مزبور در زمان بنده شناخته شده است اگر مقصود شناختن در نعت قرارداد رسمی است چنین شناسائی واقع نشده و اگر مقصود تصدیق ضمنی از جهت تسلیم در مقابل عملیات آنها بوده است بدلائلیکه در جواب سایر فرمایشات عرض کرده ام چاره غیر از آن نداشته ایم چنانچه بحکم اجبار واضطر اردر مقابل عملیات قشونها و ژنرالهای خارجی هم که در مدت جنگ در مملکت ما بوده اند جز تسلیم و سکوت چاره نداشته ایم

راجع بقرارداد ۱۹۰۷ خاطر محترم آقایان مطلع است این امر و آنچه از این قبیل است در نتیجه اولتیمانوم دولت نزاری روس بود در موقتیکه اولتیمانوم رسیده

و حیات مملکت ما را در معرض نهاکه آتی گذشت مجلس شوری حاضر بود و علاوه روسای آزادی خواهان مملکت که نازم از جنگ با قوای ارتجاع آورده شده بودند همه حضور داشتند و تمام اطراف قضایا را سنجیده بالاخره قبول آنرا همه مصلحت دانستند و عقیسات دیگری هم نتیجه مستقیم همان قضیبات اجانب بود که از جمله قرارداد ۱۹۰۷ بود بنده در آنوقت یکی از اعضاء دولت بودم و هرچه واقع شد با شرکت هیئت دولت شد و حتی نظر با هیئت مسئله رئیس مملکت نیز که کمتر در این قضایا شرکت میکرد چون از مسائل خارجی و مهالکی که دولت را تهدید می نمود کاهلا مطلع بود در هدایت افکار وزراء شرکت نمود و با اطلاع و استحضار ایشان که در تحت اعضاء ضبط است اقداماتی که برای صلاح وقت و دفع مخاطرات لازم بود بعمل آمد

در خانه مناسبه بدانم خاطر معترض محترم را باین نکته متوجه نمایم که اعتراض و تنقید در سورنی مطلوب است که از روی بی طرفی باشد و بیطرفی در سورنی رعایت میشود که اگر در عملیات شخصی که طرف تنقید است قسمتهای مقیدی هم یافت شود طرف توجه و قدرشناسی واقع شود فن تنقید از فنون مهمه است و علماء این فن هرچه را مورد تنقید قرار میدهند جنبه های خوب و بد هر دو را در نظر میگیرند آقای دکتر صدق لازم دانستند در مورد قرار داد ۱۹۰۹ بشرح و بسط ا فاده مرام کنند ولی مثلا در موضوع يك قراردادیکه در ۱۹۱۶ مابین يك رئیس الوزراء ایران و دولت خارجی منعقد و در آن اختیارات نامه راجع به مالیه مخصوصا اختیاراتیکه از خصائص مجلس و حاکمیت مملکت است از قبیل تصویب بودجه ها و وضع مالیات جدید و نسخ و تغییر مالیاتهای گذشته و غیره بیک کمسیون مختلط که اکثریت آن کما و کفما ماورین رسمی سفاردها خواها بوده اند داده شده بود و قرارداد مزبور بالاخره تحملا در جریان افتاد و فقط بسمی و اهتمام من نسخ و ابطال شد چیزی نگفتند و اگر گفته اند طوری به غرض آورده گفته اند که خیلی از اثر تنقیدات ایشان کاست و همچنین زحماتی را که بنده برای اقامه نظم و امنیت و جلوگیری از هرج و مرج و نجات مردم از فحط کشیدم قابل ذکر نداشتم پس حق دارم عرض کنم محترم تنقیدات ایشان صرف خیر خواهی و وطن پرستی نبوده است

يك نکته دیگر را هم لازم میدانم بایشان متذکر شوم که غالب محصلین و مبتدیهای سیاست در دوره تحصیل خود يك دوره درس تحصیل و جاهت را لازم می دانند و اگر ایشان فعلا در آن دوره از تحصیلات خود واقف هستند البته ایرادی بایشان ندارم ولی باید عرض کنم که من در دوره تحصیل سیاست از تعلیمات این کلاس بکلی صرف نظر کرد و از کلاس ما قبل مستقبلا و بطور ظفره بکلاس بعد رفتم باین جهت در میارزه عوام فریبی و جاهت طلبی ممکن است مغلوب شوم ولی از ایشان سؤال میکنم که لااقل در موقتی که سخن از مناقع عالیه مملکت گفته می شود آیا بهتر است باز هم ورزش آن کلاس را تکمیل نمایند یا شاگرد بنده بشوند رئیس آقایان میفرمایند که مذاکره در کلیات پژوهگرم است و پس از کفایت مذاکره باید در قسمت های آن مذاکره

شود حال باید برای بکیریم به کلیات مذاکرات آقایان صدق - یعقوب - اصل مسئله در هیئت دولت است صحبت کردن از قضایای گذشته نتیجه ندارد در دوره چهارم این قضایا خاتمه پیدا کرد این ها صحبت های شخصی بود و من مخالفم باید در کلیات انتهائی که اجازه خواسته اند مذاکره نمایند

دکتر صدق - راجع به همین بیانات است که آقای و قوق الدوله اظهار داشتند رئیس - بفرمائید

دکتر صدق - بنده چون مذاکرات مفصل شد دیگر چیزی عرض نمیکنم و قضاوت سؤال و جواب را به نظر ملت ایران واگذار میکنم ولی ایشان فرمودند که من بمرور زمان معتقد بنده بخدای متعال و تمام مقدمات عالم قسم میدهم که تا بحال يك امضاء و يك عملی بر خلاف مصالح مملکتی نکرده ام و حاضرم اگر کسی بتواند نسبت بدهد و لو این که قانونی در بین نیست بنده خود را تسلیم میجائزات نمایم آقای و قوق الدوله وزیر عدلیه هستند خوب است يك کمبونی مرکب از آقایان مشیرالدوله مؤمن الملک باشد تشکیل بدهند تا تشخیص و قضاوت این مطالب داده شود بنده بمرور زمان معتقد نیستم و بتشبهتد تشخیص عرایض مرا بنمایند

رئیس - ایشان هم فرمودند شما بمرور زمان معتقد نیستید رای گرفته میشود به کلیات مذاکرات

عده اظهار نمودند پیشنهاد ختم جلسه شده است

رئیس اظهار نمودند که پیشنهاد شده است متناهاراجع به دستور مقدم است شیروانی مخالف بوده و عقیده داشت که باید به ختم جلسه رای گرفت

رئیس اظهار نمودند مطابق نظام نامه مقدم دستور مجلس است رای گرفته شد بکلیات مذاکرات در کلیات پرگرام تصویب - شد به ختم جلسه رای گرفته تصویب شد

جلسه آنبه بروز پنجشنبه چهار بظهر دستور شور و تصویب پرگرام دولت معین شد سه ربع بعد از ظهر جلسه ختم شد

اخطار

چون روزنامه ما بواسطه جریانات هم مجلس امر از صیغ انتشار یافت لهذا امروز عسر منتشر نمیشود قارئین محترم را به فردا عصر وعده میدهم

اعلان

از عموم آقایان محترم با کمال احترام از يك ساعت قبل از آفتاب الی سه از شب گذشته. و. رائی میشود حمام نظامیه - کوچ - مسجد سراج الملک - چهارم - الله

نمره اعلان ۴۲ ۲-۱

مغازله برق

جدیدا در اول خیابان چراغ برق افتتاح یافته و از هر قبیل اجناس و لوازمات چراغ برق به نازلترین قیمت به مشتریان محترم تقدیم مینماید و نیز حاضر است با میل مشتریان کرایه هم بدهد

لامپ های مختلفه چراغ برق ولایات در این مغازه موجود و پس از درخواست از ولایات بفوریت ارسال خواهد داشت

نمره اعلان ۱ ۱۹ - ۳۰

قسمت چهارم برثیا

که آخرین قسمت آن است از طبع خارج شده در کتابخانه شرق بفروش می رسد

نمره اعلان ۴۰ ۳-۳

امروز

حرکت پستهها خراسان - مازندران

فردا

حرکت پست ها کابلان - آذربایجان - همدان - کرمانشاهان - قم فارس - اصفهان - بزاز و خوزستان - یزد - عراق - بروجرد - کرمان

اعلان

در تعقیب کتاب مسلم نیز کتاب ابتدائی که از طرف کمسیون معارف با اسلوبی مرغوب تهیه و در شورای عالی معارف تصویب شده چاپ و حاضر گردیده در کتابفرو شهرهای طهران - کاه - مظفری - سعادت - علمی با قیمت مقتوع جلدی سی شاهی بفروش میرسد

نمره اعلان ۴۴

اعلان مناقصه آهنگوبی

از طرف وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه معادل دویست و هشتاد ذرع شیروانی عمارت مرضخانه وزیری را مطابق شرایط ذیل بانضمام داروکلاف دوره از تاریخ نشر اعلان الی مدت پنج روز بمنافسه میگذارد محیط کش - سانت از پای چوب يك ذرع بیابا

محیط لنگه خرپا ۴۰ سانت لایه ۳۲ سانت آهن نو سپاه ورق بزرگ دست رنگ زیر و ورقمز و رنگ لب بند سفیداب و روغن

هر يك از آهنگوبان پیشنهادات خود را در مدت مزبور که قیمت يك ذرع آهنگوبی مزبور را بجهت مبلغ مینماید بوشته در پاکتی سر بسته (که در روی پاکت نوشته شود پیشنهاد مناقصه آهنگوبی مرضخانه وزیری) بداره کابینه این وزارتخانه تسلیم نموده بعد از انقضای مدت قرائت میشود بهر يك از آهنگوبان که مناقصه را برده اطلاع داده میشود بدایره انبیه دولتی در این وزارتخانه حاضر شده قرارداد لازم نمایند

نمره ۵۵۳۱ مصطفی قلی خان بیات

نمره اعلان ۴۳

مطمیه بوسفور شمشه ۱

شماره ۳۴

صفحه ۴

اطلاعات

۳-۳

۴۰

۴۲

۱

۱۹ - ۳۰

۴۴

۵۵۳۱

۴۳

۱